

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۶/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۰

10.22034/nf.2023.177050

## مطالعه ساختار و مدخل‌های رساله ترکی خط و خطاطان نوشته میرزا حبیب اصفهانی (حبیب افندی)

مهدی قربانی (دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران)\*

طاهر رضازاده سراسکانرود (استادیار گروه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران)\*\*

چکیده: خط و خطاطان رساله‌ای است از آثار میرزا حبیب اصفهانی مشهور به حبیب افندی — ادیب ایرانی و روشنفکر تجدیدطلب دوره قاجار — که آن را به زبان ترکی عثمانی نوشته و به سلطان عبدالحمید دوم عثمانی تقدیم کرده است. این رساله شامل شرح مختصری درباره تاریخ هنر خوشنویسی از صدر اسلام و گسترش آن، شجره‌نامه استاد و شاگردی و سلسله خوشنویسان، معرفی مکاتب خوشنویسی در دوره‌های گوناگون، طبقه‌بندی خطاطان در دوره‌های زمانی و جغرافیایی در انواع خطوط به انضمام شرح مختصری از حیات و آثار آنان است. افزون بر خوشنویسان، در بخش آخر رساله، هنرمندان مشهور رشته‌های کتاب‌آرایی در ایران و عثمانی تا زمان معاصر نویسنده معرفی شده‌اند. نویسنده در تألیف و تدوین این رساله به تذکره‌های پیشین توجه داشته و بنای کار او بر اساس فشرده‌سازی و ارائه چکیده‌ای از اطلاعات این منابع بوده است.

هدف این مقاله، معرفی رساله خط و خطاطان و بررسی و مطالعه ساختار و ماهیت آن است؛ چراکه این اثر به سبب ملیت ایرانی نویسنده و نیز پرداختن به شرح حال بسیاری از خوشنویسان

---

\* mehdiorbani@yahoo.com

\*\* tahirrizazadeh@gmail.com

ایرانی - که بخش عمده‌ای از کتاب را در بر می‌گیرد - به‌عنوان اثر پژوهشی مهم و میراث مشترک ایران و عثمانی شایسته توجه است که متأسفانه تاکنون به آن پرداخته نشده است.

کلیدواژه‌ها: خوشنویسی، عثمانی، حبیب افندی، خط و خطاطان.

## ۱ مقدمه

موضوع این مقاله معرفی رساله خط و خطاطان<sup>۱</sup> و بررسی روابط بینامتنی در ساختار آن است. این رساله، که به قلم میرزا حبیب اصفهانی (وفات: ۱۳۱۵ق) درباره هنر خوشنویسی و تاریخچه آن نوشته شده و طبقات مختلف خطاطان را از صدر اسلام تا روزگار خویش به اختصار معرفی کرده، یکی از مهم‌ترین تذکره‌های متأخر است. حبیب افندی یا میرزا حبیب اصفهانی شاعر و ادیب ایرانی دوره قاجار و از پیشگامان تحول در نثر و ترجمه فارسی است، که تدوین نخستین دستور زبان فارسی را به او نسبت داده‌اند. وی به سبب اقامت طولانی در استانبول، نزد ترک‌ها به «حبیب افندی» و «میرزا حبیب افندی» شهرت یافته است. شرح زندگانی میرزا حبیب اصفهانی در منابع مختلف به تفصیل ذکر و چهره فرهنگی و سیاسی خاصی از او ترسیم شده که مانند برخی از روشنفکران ناراضی دوره قاجار، جلای وطن کرده و به دولت عثمانی پناهنده شده است. رساله خط و خطاطان اگرچه به زبان ترکی عثمانی تألیف شده، به سبب ملیت و اصالت ایرانی نویسنده و نیز معرفی طبقات مختلف خوشنویسان ایرانی در آن، درخور توجه است. این رساله را می‌توان مهم‌ترین تذکره خوشنویسان در دو سده اخیر دانست و تقریباً هیچ منبع دیگری، بدان پایه از غنای مطالب و استفاده از منابع گوناگون، نرسیده است. آثار اخیر که در ایران و ترکیه در این موضوع تألیف شده‌اند این رساله را یکی از منابع اصلی و مهم خود برشمردند؛ از جمله محمود کمال اینال<sup>۲</sup> در کتاب صون خطاطان و عبدالمحمد ایرانی<sup>۳</sup> در کتاب پیدایش خط و خطاطان از رساله حبیب افندی نقل قول کرده و به آن توجه داشته‌اند.

۱. این کتاب را رحیم چاوش اکبری به فارسی ترجمه و با عنوان تذکره خط و خطاطان، شامل خطاطان، نقاشان، مذهبیان و قاطعان و جلدسازان ایرانی و عثمانی به‌انضمام کلام الملوک، در سال ۱۳۶۹، در تهران منتشر کرد. ترجمه عربی این رساله با عنوان «الخط و الخطاطون» توسط سامیه محمد جمال انجام شده و از سوی انتشارات مرکز القومي للترجمة در سال ۲۰۱۰م در قاهره به چاپ رسیده است.

۲. محمود کمال اینال (۱۸۷۰-۱۹۵۷م) مشهور به «ابن الامین»، نویسنده، مورخ، ادیب، و سیاستمدار دوره عثمانی که در دوره جمهوریت نیز وزیر آرشین نخست‌وزیری بود.

۳. حاج میرزا عبدالمحمد مؤدب السلطان ایرانی (۱۳۵۴-۱۲۹۱ق) مشهور به «چهره‌نما»، ادیب، شاعر، نویسنده و مؤرخ.

رساله خط و خطاطان، که از تذکره‌های مهم هنر خوشنویسی است، منبعی مهم در این حوزه به شمار می‌آید که ایجاز و اختصار و نوآوری‌های نویسنده در آن و استفاده او از اطلاعات منابع پیشین در تدوین اثر، اهمیت ضرورت پرداختن به آن را دوچندان می‌کند. همچنین، هرچند زبان این اثر ترکی عثمانی بوده و در استانبول به چاپ رسیده، با توجه به ملیت نویسنده می‌توان آن را اثری ایرانی، یا لاقلاً مربوط به حوزه فرهنگی - هنری ایران دانست که متأسفانه تاکنون توجه شایانی بدان نشده است. رساله خط و خطاطان، که حبیب افندی آن را به سلطان عبدالحمید دوم تقدیم کرده، با اجازه هیئت معارف عثمانی، در سال ۱۳۰۵ق/ ۱۸۸۷م، در ۲۸۵ صفحه در چاپخانه ابوالضیاء استانبول به چاپ رسیده است. تاریخ چاپ روی جلد کتاب ۱۳۰۶ق درج شده که البته اشتباه است؛ در متن کتاب به تاریخ صحیح، یعنی ۱۳۰۵ق، اشاره شده است (تصاویر ۱ و ۲). این رساله همچنین نخستین کتاب چاپ‌شده در دوره عثمانی درباره هنر خوشنویسی به شمار می‌رود (Alparslan, c 14, s 335).

تحفه خطاطین، اثر مستقیم‌زاده سعدالدین سلیمان افندی، گلزار صواب، اثر نفس‌زاده ابراهیم افندی، و مناقب هنروران، اثر مصطفی عالی افندی، تذکره‌های پیشین خوشنویسی‌اند که نویسنده در مقدمه رساله‌اش آنها را در زمره منابع خود در تدوین و تألیف اثر خویش نام برده است. به نظر می‌رسد وی از منابع دیگری نیز بهره‌مند شده که نامی از آنها نیاورده است. هرچند نویسنده در متن، تقریباً هیچ ارجاعی به منابع خود نداده، بررسی رساله پیوندهای بینامتنی آن با تذکره‌های خوشنویسی پیشین را به خوبی نشان می‌دهد.

در بخش نخست این مقاله، روابط بینامتنی ساختار رساله خط و خطاطان بیان و در بخش دوم، به بررسی روابط بینامتنی مدخل‌های آن پرداخته شده است. این رساله، ضمن شباهت‌هایی که در ماهیت و ساختار با نمونه‌های قبلی خود دارد، در برخی ویژگی‌ها همچون فهرست و نوع تقسیم‌بندی از آنها دقیق‌تر است. از سوی دیگر، با توجه به اختصار مدخل‌ها احتمال می‌رود که این رساله گزیده منابع پیشین بوده و حتی می‌توان آن را، به طور خاص، گزیده کتاب تحفه خطاطین دانست که نویسنده، در تدوین رساله و حتی نوع نگارش، به آن نظر ویژه‌ای داشته است.

## ۲ پیشینه تحقیق

رساله خط و خطاطان حبیب افندی برای ایرانیان و اعراب ناشناخته نیست و حتی ترجمه‌های فارسی و عربی آن نیز منتشر گردیده اما تاکنون در ایران بررسی نشده است. در ترکیه نیز به استثنای چند اثر،

کار خاصی درباره آن انجام نگرفته است. به نظر می‌رسد علت اصلی این امر، غلبه وجه ادبی و سیاسی شخصیت نویسنده است که اثرش را تحت الشعاع قرار داده و موجب شده تا چندان به چشم نیاید. در برخی از کتاب‌هایی که در دو سه دهه اخیر با موضوع خوشنویسی تألیف شده‌اند، نقل قول‌ها و ارجاعاتی از این رساله موجود است. پایان‌نامه‌ای نیز در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه مرمره استانبول با عنوان "Hat ve Hattatan'da Osmanlı Hattatları" (خطاطان عثمانی در خط و خطاطان) در سال ۲۰۰۷ یافت شد که موضوع آن تنها منحصر به بخش خطاطان عثمانی است. نویسنده در این پایان‌نامه، افزون بر نقدهایی که به اصل اثر وارد کرده، بخش خطاطان ایرانی را به سبب نبود منابع تحقیق، بررسی نکرده است. در این مقاله، ساختار این رساله و روابط بینامتنی آن با دیگر تذکره‌های پیشین بررسی شده و، ضمن مطالعه همه بخش‌های آن، تلاش گردیده تا با مراجعه به اصل منابع ترکی و فارسی، تصویر روشن‌تری از این مسئله ارائه شود.

### ۳ بررسی روابط بینامتنی ساختار رساله خط و خطاطان

موضوع رساله خط و خطاطان — چنان‌که نویسنده خود در مقدمه بیان کرده است — به طور عموم، «عبارت است از پیدایش و چگونگی تحول و دگرگونی و انتشار خط و به‌ویژه منشأ و منبع خط عربی، و نیز شرح حال خوشنویسانی که اقسام خطوط را اختراع و ابداع نموده و آن را به کمال حسن و زیبایی رسانده‌اند و معرفی استادان آنها و مکان و زمان حیات و سال وفات و مدفن ایشان و آثاری که در هنر خوشنویسی به یادگار گذاشته‌اند و همچنین هنرمندان هنرهای وابسته به خط چون نگارگری و تذهیب و تجلید است» (حیب اصفهانی، ص ۵). نویسنده، کتاب را در هفت بخش اصلی تدوین کرده که عبارت‌اند از: مقدمه، شجره سرآمد خطاطان، ثلث و نسخ‌نویسان ایران، ثلث و نسخ‌نویسان عثمانی، نستعلیق‌نویسان ایرانی، نستعلیق‌نویسان عثمانی، و دیگر استادان خطوط گوناگون و هنرهای کتاب‌آرایی.

بخش اول رساله با مقدمه کوتاهی آغاز می‌شود که در آن نویسنده هدف خود از تدوین این رساله را بیان کرده و به منابع و مآخذ خود اشاره‌ای گذرا دارد. وی در ادامه، دیباچه‌ای در بیان کیفیت ایجاد خط نوشته و تاریخچه مختصری از اختراع خط از دوره باستان تا صدر اسلام را ارائه کرده است. در انتهای این دیباچه، مطالبی برگزیده از کتاب مقدمه<sup>۱</sup> ابن خلدون ذکر شده که مشتمل است بر کلیاتی

۱. کتابی است تألیف ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حَضَرَمِی معروف به ابن خلدون (درگذشته ۸۰۸ق) که موضوع آن، بررسی تاریخ اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام در سده‌های هشتم و نهم هجری است (البرت نصری، ص ۱۲).

در خصوص رشد و گسترش خط عربی در قلمروی ممالک اسلامی — از حجاز، عراق و ایران تا افریقه<sup>۱</sup> و اندلس — است.

پس از این، در بخش اول، نویسنده خطوط گوناگون را معرفی کرده و اطلاعاتی کوتاه و مفید درباره آنها و ابداع‌کنندگانشان ارائه کرده است. او در اینجا بعضی خطوط کهن اسلامی را تحت عنوان «خطوط موزونه اصلیه»<sup>۲</sup> نام برده، که از بیشتر آنها فقط اسمی باقی است؛ آنگاه خطوط شش‌گانه را — که به اقلام سته نیز مشهورند — معرفی، و مورد استفاده هر یک را بیان کرده است: ثلث برای تعلیم و ورزش خط، نسخ برای کتابت تفاسیر و احادیث، محقق برای ثبت اشعار و قصاید، ریحانی برای کتابت مصاحف و اوراد و ادعیه، توقیع برای تحریر فرامین و منشورات، و رقاع برای مکاتبات و مراسلات. همچنین، حبیب افندی، در این قسمت، از اشاره به نکات ریز و کم‌اهمیتی که ارتباط مستقیم با موضوع داشته‌اند، دریغ نکرده است؛ نکاتی همچون علامات متفرقه، اعراب و اعجام، معرفی برخی حروف شاذ و نادر و اشکال مختلف آنها.

بخش دوم به شجره سرآمد خطاطان اختصاص دارد. نویسنده این بخش را با معرفی نخستین خوشنویسان دوره اسلامی آغاز کرده و در ادامه، به اختصار، از خطاطان نامدار و مشاهیر آنان یاد کرده است؛ این هنرمندان نخستین استادان و بنیان‌گذاران هنر خوشنویسی اسلامی و حلقه اول خوشنویسان معرفی شده‌اند؛ از اتصال دیگر هنرمندان خوشنویس در طول زمان به این حلقه، سلسله یا شجره خوشنویسان پدید آمده که بستری مناسب برای بررسی و مطالعه روابط استاد و شاگردی میان خطاطان و نیز چگونگی نشر سبک و شیوه‌های مختلف خطوط گوناگون را فراهم آورده است. میرزا حبیب، در این بخش، خلاصه‌ای از رساله سلسله الخطاطین<sup>۳</sup> را نقل، و در دو

۱. نام منطقه وسیعی از شمال قاره آفریقا در دوره اسلامی. جغرافی‌نویسان عرب بخش‌هایی از شمال آفریقا به‌ویژه بخش شرقی ممالک بربر یا مغرب را افریقه می‌نامیدند (برگرفته از مقاله افریقه در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی).

۲. این خطوط عبارتند از: کوفی، طومار، جلیل، مجموع، ریاسی، ثلثین، نصف، جوانحی، مسلسل، غبار حلیه، مؤامرات، محدث، مدّح؛ منثور، مقترن، حواشی، اشعار، لؤلؤی، مصاحف، فصاح‌النسخ، غبار، عهد، معلق، مخفف، مرسل، مسوط، مقوّر، ممزوج، مفتوح، معما، مؤلف، توأمان، معجز، مخّلع، دیوانی، سیاق، و قرمه (برای کسب اطلاعات بیشتر — رساله خط و خطاطان، ص ۲۰؛ KALEM GÜZELİ، ص ۳۲؛ اطلس خط، ص ۲۲۳).

۳. رساله مختصری اثر مستقیم‌زاده سعدالدین سلیمان افندی که آن را به کتاب تحفة خطاطین الحاق کرده است (حبیب، ص ۴).

مورد نیز به بیتی از «صراط‌السطور»<sup>۱</sup> استناد کرده، و همچنین در ذکر شاگردان یاقوت، از رساله قطیبه<sup>۲</sup> نام برده است.

در این بخش، شجره سرآمد خطاطان با امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - آغاز شده، و از طریق برخی صحابه در صدر اسلام، به استادان نسل بعد همچون ابن مقله و ابن بواب و سرانجام به یاقوت المستعصمی منتهی می‌گردد؛ سپس شاگردان یاقوت - که به «استادان سبعة» معروف‌اند - نام برده شده، که عبارت‌اند از: عبدالله صیرفی، عبدالله ارغون کاملی، احمد طیب‌شاه، مبارکشاه قطب، مبارکشاه سیوفی، احمد سهروردی و میرحیدر گنده‌نویس. در میان این زنجیره البته خطاطانی هستند که شاگردان استادان سلف، یا نمایندگان مکتب آنان بوده‌اند، اما به اندازه استادان خود شهرت ندارند. در مجموع، شرح حال ۴۰ تن از خوشنویسان سده‌های نخست هجری تا پایان دوره عباسیان و اوایل دوره ایلخانی در بخش دوم کتاب ذکر شده است. مدخل‌های این بخش بر اساس بازه زمانی تنظیم شده و از صدر اسلام تا حدود بیش از شش سده بعد را در بر می‌گیرد. مدخل‌ها غالباً کوتاه و مختصر بوده و برخی از آنها گاهی فقط در یکی دو سطر نوشته شده‌اند؛ تنها مدخل‌های مربوط به ابن مقله (که نویسنده از وی به عنوان «ناقل حقیقی» یاد کرده) و یاقوت المستعصمی بسیار مفصل و در سه چهار صفحه تنظیم شده‌اند، که حاکی از اهمیت جایگاه این دو استاد در هنر خوشنویسی اسلامی است. نویسنده همچنین، در این بخش، قصیده «رائیه» ابن بواب<sup>۳</sup> و ترجمه آن را، برای استفاده بیشتر خوانندگان، پس از شرح حال وی آورده است.

بخش سوم شامل معرفی و شرح حال خوش‌نویسان خطوط ثلث در نسخ در ایران است و شرح حال ۴۴ تن از آنان ذکر شده است. مدخل‌های این بخش بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم شده و تقریباً بازه زمانی دوره ایلخانی تا پایان دوره صفوی را در بر می‌گیرد. به نسبت بخش دوم، در این قسمت مدخل‌ها چندان کوتاه نیستند بلکه غالباً متوسط بوده و شامل یکی دو پاراگراف تا یکی دو

۱. رساله منظومی است در قالب مثنوی اثر سلطان‌علی مشهدی که به قواعد خط پرداخته و بعدها به آن عنوان «صراط‌السطور» داده‌اند و میرعلی هروی آن را «صراط‌الخط» نامیده است.

۲. رساله قطیبه اثر قطب‌الدین محمد یزدی است که شاگرد مالک دیلمی بوده و چند سالی در بغداد زیسته و در ۹۷۸ تا ۹۹۰ ق در همین شهر نشان و سراغ او داده شده و تا سال ۱۰۰۰ ق زنده بوده است. این رساله تذکره ۵۲ خوشنویس است و عالی‌افندی در مناقب هنروان از آن یاد نموده و آن را در ۹۹۵ ق با اضافاتی از خود در آن به ترکی درآورده است.

۳. منظومه‌ای عربی مشتمل بر ۲۳ بیت سروده ابوالحسن علی بن هلال معروف به ابن بواب (از خوشنویسان تراز اول اسلام در سده سوم و چهارم هجری) درباره هنر کتابت و لوازم خوشنویسی است (برای اطلاعات بیشتر - ذنون ۲۰۱۲).

صفحه می‌شوند. حبیب افندی در این بخش دو بار به مناقب هنروران استناد کرده و در یک مورد نیز مطلبی را از کشکول شیخ بهایی نقل کرده است. او در پایان این بخش نوشته:

خطاطانی که در اینجا ذکر شدند، نسخ‌نویسان ایرانی هستند که آثارشان در ممالک عثمانیه دیده شده و در آنجا شهرت دارند. اما شرح حال دیگران در بخش فارسی رساله مان مفصل‌تر نوشته شده است (حبیب اصفهانی، ص ۷۸).

از آنجا که رساله حبیب افندی به ترکی نوشته شده، احتمالاً منظور وی از بخش فارسی آن، بخش پنجم کتاب است که مربوط به خطاطان نستعلیق‌نویس ایران است.

بخش چهارم، مشتمل بر معرفی و شرح حال خوش‌نویسان خطوط ثلث و نسخ در قلمرو عثمانی است. در آغاز این بخش، ابتدا به معرفی هفت استاد بزرگ آناتولی یا «اساتید سبعة روم» — که نخستین خطاطان آن دیار و بنیان‌گذاران مکتب خوشنویسی عثمانی‌اند — پرداخته شده است که عبارت‌اند از: شیخ حمدالله آماسی، مصطفی دده، عبدالله آماسی، محی‌الدین آماسی، اسحاق جمال‌الدین، احمد قره‌حصاری و شربتچی‌زاده ابراهیم بورسوی. در پایان این قسمت کوتاه، تصویری از «بسمله» به خط مسلسل اثر احمد قره‌حصاری درج شده که تنها تصویر موجود در این رساله است (تصویر ۱). در این بخش، مانند بخش سوم، شرح حال خوشنویسان خطوط ثلث و نسخ دوره عثمانی ذکر و مدخل‌های آن بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. در انتهای بخش چهارم، معرفی ۷ تن از خطاطان مربوط به این دوره که تاریخ وفاتشان مشخص نبوده، آمده و در ادامه آن، نام ۱۵ تن از خطاطان معاصر نویسنده که در تاریخ تحریر رساله در قید حیات بوده‌اند ذکر و در یکی دو سطر معرفی شده است. با احتساب این دو قسمت اخیر، در مجموع، ۳۰۱ مدخل در این بخش موجود است. علت فراوانی مدخل‌های این بخش را باید در رواج و گسترش فراگیر خطوط ثلث و نسخ در عثمانی جستجو کرد؛ البته دسترسی نداشتن نویسنده به منابع و تذکره‌های ایرانی نیز موجب شده تا تعداد خوشنویسان ایرانی در ثلث و نسخ از خطاطان عثمانی کمتر باشد.



تصویر ۱ - بسمله به خط مسلسل اثر احمد قره‌حصاری (رساله خط و خطاطان، ص ۸۶)

بخش پنجم به خطاطان نستعلیق‌نویس ایران اختصاص دارد، که شرح حال ۲۰۶ تن از آنان را در بر می‌گیرد. مدخل‌های این بخش بر اساس ترتیب حروف الفبا تنظیم شده و در انتهای آن، ۹ تن از خطاطان با عنوان «محرّفان خط» معرفی شده‌اند؛ وجه تسمیه این عنوان به سبب مغایرت شیوه و اسلوب این استادان با دیگر هم‌طرازان معاصر خویش، از جمله سلطان‌علی مشهدی، بیان شده است (حبیب اصفهانی، ص ۲۳۲).

بخش ششم شامل شرح حال ۵۳ تن از خطاطان نستعلیق‌نویس عثمانی به‌انضمام ۱۶ تن از خوشنویسان بزرگ نستعلیق که پس از ۱۳۰۲ق (یعنی ۳ سال پیش از تألیف رساله و معاصر نویسنده) به عنوان خطاط مطرح شده‌اند؛ و در مجموع، ۶۹ مدخل در این بخش وجود دارد. علت فراوانی مدخل‌های بخش پنجم نیز پیدایش و رواج خط نستعلیق در ایران و راهیابی آن به عثمانی در دوره صفوی است<sup>۱</sup>. بدین‌سان عثمانیان نستعلیق را ابتدا از ایرانیان آموختند، و دو سده بعد، اسلوب ترکی را بر اساس شیوه میرعماد و اصول زیبایی‌شناسی خویش بنا نهاده، آن را تعلیق نامیدند؛ اما در نهایت، تعداد خطاطان نستعلیق‌نویس عثمانی به نسبت هم‌طرازان ایرانی‌شان بسیار اندک است.

بخش هفتم شامل مجموعه‌ای از مدخل‌های مربوط به برخی از خوشنویسان ایران و عثمانی خطوط غیر از نستعلیق، و نیز استادان و هنرمندان دیگر هنرهای کتاب‌آرایی، و همچنین برخی اطلاعات اضافی درباره خوشنویسان است که نویسنده بعداً آنها را به دست آورده است. در این بخش، درباره خوشنویسان خطوط غیر از نستعلیق شامل تعلیق‌نویسان، دیوانی‌نویسان، چپ‌نویسان، غبارنویسان و شکسته‌نویسان، ۶۷ مدخل، و درباره هنرمندان کتاب‌آرایی همچون طراحان، قاطعان، مصوران، نقاشان، مذهبیان و مجلّدان، ۲۲۵ مدخل وجود دارد. پرداختن به سایر هنرهای کتاب‌آرایی در این رساله حاکی از اهمیت آنها و آمیختگی و قرابتی است که این هنرها با خوشنویسی داشته و همچنین برخی از خوشنویسان، در یک یا چند هنر دیگر از این هنرها، استاد بوده‌اند؛ به همین سبب، گاهی مدخل‌های تکراری نیز دیده می‌شود. پایان بخش رساله منظومه‌ای است عربی با عنوان بضاعة‌المجود<sup>۲</sup>، که نویسنده آن را، برای استفاده مخاطبان، در انتهای کتاب گنجانده است.

۱. درویش عبدی بخاری (وفات: ۱۰۵۷ق / ۱۶۴۷م)، از شاگردان میرعماد، شیوه او در نستعلیق را به عثمانی برد و در آنجا رواج داد (پرک، ص ۶۲).

۲. رساله‌ای منظوم درباره علم و اصول خوشنویسی در ۱۳۵ بیت عربی سروده شیخ محمد بن الحسن السنجاری (زنده در ۸۴۶ق) (برای اطلاعات بیشتر ← السنجاری ۲۰۰۲).



همچنین میرزا حبیب در مدخل‌های بخش هفتم این رساله — که درباره خوشنویسان خطوط گوناگون و سایر هنرمندان کتاب‌آرایی است — کاملاً از مدخل‌های مندرج در مناقب هنروران بهره برده و مابقی را خود به آنها افزوده است. در مجموع این بخش مشتمل است بر ۲۲۵ مدخل که عبارت‌اند از: تعلیق و دیوانی و چپ‌نویسان ایران (۳۱ مدخل)، غبارنویسان ایران (۴ مدخل)، دیوانی و چپ‌نویسان عثمانی (۳۲ مدخل)، مجلّدان ایران (۵ مدخل)، طراحان ایران (۱۳ مدخل)، قاطعان ایران (۵ مدخل)، مصوّران و نقاشان (۲۶ مدخل)، مُذهّبان ایران (۱۰ مدخل)، نقاشان و مصوّران و مُذهّبان و طراحان عثمانی (۳۹ مدخل)، استادان تذهیب و تجلیدی که تا سال ۱۳۰۶ ق زنده بوده‌اند (۳۵ مدخل)، مجلّدان عثمانی (۱۵ مدخل) و استادان تذهیب و تجلید معاصر نویسنده (۱۰ مدخل). همین تقسیم‌بندی داخلی بخش هفتم گویای دقت نظر نویسنده و توجه او به اهمیت موضوع است؛ این در حالی است که تعداد کلّ مدخل‌های مناقب هنروران در این بخش فقط ۶۷ عدد است. گرچه این مدخل‌های در تذکره‌های پیشین (همچون مناقب هنروران) به صورت محدود و کم‌شمارتر — آن هم بدون چنین تقسیم‌بندی دقیقی — موجود است، حبیب‌افندی با افزودن چند مدخل دیگر، غنای آن را بیشتر کرده است. این مطلب به‌ویژه در مدخل‌های مربوط به استادان معاصر وی ملموس‌تر است. بنابراین در این بخش به‌جز مدخل‌های مربوط به خوشنویسان، نویسنده به طور خاص از تذکره مناقب هنروران برای معرفی شرح حال سایر هنرمندان کتاب‌آرایی بهره برده است. ساختار مدخل‌های این بخش بسیار ساده و مختصر است؛ مطالب هر مدخل — بنا بر اطلاعات اندک موجود — از چند کلمه تا دو سه سطر متغیّر است. حبیب‌افندی در این باره نوشته:

هر چقدر هم که برخی از این استادان را طراح و یا برخی دیگر را مصوّر یا مُذهّب بنامند، بسیاری از آنان در انواع هنرها استاد بوده‌اند. هیچ‌کس به بیان شرح حال آنان همت نگماشته و فقط در برخی تذکره‌ها بنا بر مناسبتی، ذکری از آنان شده است. پس از مرگشان نیز زمان و مکان وفات و آثارشان در بوته غفلت و اهمال قرار گرفته و به فراموشی سپرده شده است. شرح مختصری که از استادان ایرانی در اینجا ذکر شده نیز بر اساس «توشه‌ای از گوشه‌ای و از هر خرمنی خوشه‌ای» گردآوری شده است (حبیب‌اصفهانی، ص ۲۶۵).

با توجه به آنچه گفتیم، در مجموع، ۸۸۵ مدخل در رساله خط و خطاطان نوشته شده که ترکیب ساختار آن به شرح جدول شماره ۱ است.

ساختار کلی رساله خط و خطاطان مبتنی بر دو شیوه کلی و درهم است: یکی تقسیم‌بندی مدخل‌ها بر اساس جغرافیا و ملیت (مانند تقسیم هنرمندان به ایرانی و عثمانی)؛ و دیگری بر اساس فهرست الفبایی. ساختار تذکره‌های پیشین بر یکی از این دو روش یا هر دوی آنها استوار است. ساختار تذکره‌های مختصر و کم‌حجم به روش نخست پایه‌ریزی شده؛ زیرا تعداد هنرمندان یا مدخل‌های آنها چندان زیاد نیست، و از طرفی، به سبب سهم عمده ایرانیان و عثمانیان در خوشنویسی، بیشتر خطاطان، به لحاظ ملی و جغرافیایی، در یکی از این دو حیطه قرار می‌گیرند. در مقابل، برخی از تذکره‌های حجیم‌تر و بزرگ‌تر از فهرست الفبایی بهره می‌برند؛ چراکه تعداد مدخل‌های آنها بیش از حد معمول است و مخاطب با مراجعه به فهرست می‌تواند مدخل مورد نظر خویش را بیابد. بدیهی است که نویسنده این ساختار را از دیگر تذکره‌ها، همچون مناقب هنروران (که بر مبنای هر دو نوع تقسیم‌بندی است) و تحفه خطاطین (که بر اساس فهرست الفبایی تنظیم شده) وام گرفته است.

جدول ۱ - جدول تقسیم و پراکندگی مدخل‌های رساله خط و خطاطان

| بخش       | عنوان   | تعداد مدخل‌ها | درصد  |
|-----------|---|---------------|-------|
| بخش اول   | مقدمه، بیان تاریخچه خط و خوشنویسی                 | —             | —     |
| بخش دوم   | شجره سرآمد خطاطان                                 | ۴۰            | ۴/۸%  |
| بخش سوم   | خطاطان ثلث و نسخ در ایران                         | ۴۴            | ۵%    |
| بخش چهارم | خطاطان ثلث و نسخ در عثمانی                        | ۳۰۱           | ۳۴%   |
| بخش پنجم  | نستعلیق‌نویسان ایران                              | ۲۰۶           | ۲۳/۵% |
| بخش ششم   | نستعلیق‌نویسان عثمانی                             | ۶۹            | ۶/۵%  |
| بخش هفتم  | خوشنویسان خطوط گوناگون و سایر هنرمندان کتاب‌آرایی | ۲۲۵           | ۲۵/۵% |
| مجموع     |   | ۸۸۵           | ۱۰۰%  |

#### ۴ بررسی روابط بینامتنی مدخل‌های رساله خط و خطاطان

یکی از نکاتی که میرزا حبیب در مقدمه رساله‌اش به آن اشاره کرده منابعی است که وی برای تألیف اثر خود از آنها بهره برده است. وی خود خوشنویس نبوده اما سبک و شیوه رساله‌اش حاکی از آن

است که اطلاعات بسیار خوبی درباره خوشنویسی داشته یا لااقل به منابع مناسبی دسترسی داشته است؛ به‌ویژه بررسی بخش «خطاطان ایران» در این رساله، مؤید این مطلب است. با این حال، وی در کتاب خود اشاره کرده که، به دلیل نداشتن دسترسی به منابع کافی، نتوانسته شرح حال برخی از خوشنویسان ایرانی را به کتابش بیفزاید و به همین سبب، تحقیق درباره این موضوع را در استانبول امری بیهوده دانسته و آن را به پژوهشگران ایرانی واگذار کرده است. میرزا حبیب در انتهای بخش شرح حال خطاطان ایرانی در این باره می‌نویسد:

به جز اینان، خوشنویسان دیگری نیز پیش از میرعماد بوده‌اند که نستعلیق را در کمال زیبایی کتابت کرده‌اند، اما هیچ دسترسی به شرح حال هیچ‌یک از آنان نداشتیم. از میان خطاطانی که پس از میرعماد آمده‌اند، برخی صاحب خط حقیقی و استاد واقعی بوده‌اند که همتی بر نوشتن شرح حال آنان نشده و اکنون که ما در استانبول نشستیم، تحقیق درباره احوال آنان کاری بیهوده و عبث است؛ به همین جهت، از این خصوص صرف نظر کردیم و به مصداق اهل البیت ادری بما فیه، این امر به ایرانیان صاحب همت حواله شد (حبیب اصفهانی، ص ۲۳۱).

نویسنده به غیر از دو سه منبع ترکی عثمانی، نام هیچ‌یک از تذکره‌های پیشین فارسی را در مقدمه ذکر نکرده است. مطالب مندرج در مدخل‌های مربوط به خوشنویسان ایرانی و به‌ویژه خوشنویسان دوره صفوی، حکایت از توجه و دقت نویسنده در تنظیم و تدوین آنها دارد؛ بنابراین می‌توان گفت احتمالاً وی در تألیف بخش مربوط به خطاطان ایران از منابع مهمی همچون گلستان هنر<sup>۱</sup> یا تذکره الخطاطین<sup>۲</sup> بهره برده و البته هیچ نامی از آنها نیاورده است. او در مقدمه رساله خود می‌نویسد:

ماخذ مقصود ما در باب خط و خوشنویسان ایران اطلاعات و دریافت‌های ذاتی ما از تذکره‌ها و رساله‌های پیشین در این موضوع است که بر اثر تلاش و کوشش به دست آورده‌ایم. اما درباره خطاطان مملکت عثمانی بر اساس فحوای «کل صید فی جوف الفراء»، کتاب تحفة خطاطین مرحوم مستقیم‌زاده ما را از دیگر نسخه‌ها – اگرچه منابع نفیسی همچون گلزار صواب نفس‌زاده و

۱. گلستان هنر تألیف قاضی احمد منشی قمی است، که در ۱۰۰۶ ق/ ۱۵۹۸ م به نگارش درآمده است. این اثر از معدود منابع مستقلی است که حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره شرح احوال خوشنویسان، نگارگران، مذهب‌بان و هنرمندان رشته‌های کتاب‌آرایی در ایران عصر صفوی ارائه می‌کند و دارای یک مقدمه، چهار فصل و یک خاتمه است برای اطلاعات بیشتر – قمی ۱۳۵۲).

۲. کتاب کوچکی است در شرح احوال خطاطان اواخر دوره صفویه تألیف میرزا محمد صالح اصفهانی (وفات: ۱۱۲۶ ق) فرزند میرزا ابوتراب اصفهانی (از شاگردان برجسته میرعماد و کتبه‌نویس عهد صفوی) که شامل اطلاعات دست اول نویسنده درباره ۲۰۰ تن از خوشنویسان آن دوره و نیز اصطلاحات فراوان خوشنویسی است (برای اطلاعات بیشتر – فیروزبخش، س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۱۳-۳۴).

مناقب هنروران عالی افندی باشند — بی‌نیاز می‌دارد، چراکه این کتاب شرح تفصیل احوال بسیاری از خطاطان را تا سال ۱۲۰۲ [هجری] از این منابع استخراج نموده و نویسنده آن در رساله کوچکی به نام سلسله الخطاطین شرح حال حدود ۹۰ تن از خوشنویسانی که آثار آنان باقی مانده و نیز بیش از صد نفر دیگر را از منابع دیگر معرفی کرده، و برای تمایز میان این دو گروه، آنها را با ارقام هندسی نشان داده است؛ همچنین برای خوشنویسانی که پس از سال ۱۲۰۲ ق در حیات بوده‌اند و شرح حال آنان هنوز جایی ثبت و ضبط نشده، به میزان توان، با کسب اطلاعات از مدفن و سنگ مزارشان، شرح حال و تاریخ وفاتشان را تحقیق و تدقیق نموده و به این رساله افزوده است (حبیب اصفهانی، ص ۴).

در بخش مربوط به خطاطان عثمانی میرزا حبیب به منابع مهمی دسترسی داشته که طبعاً تا آن زمان در اختیار ایرانیان نبوده است. مهم‌ترین منبع او، در این بخش، کتاب تحفه خطاطین<sup>۱</sup> است که تقریباً همه‌جا نویسنده بدان توجه داشته و نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم از آن به وفور در متن اثر دیده می‌شود. به نظر می‌رسد نویسنده بیشترین تأثیر را از تحفه خطاطین گرفته باشد؛ زیرا افزون بر استفاده از آن به عنوان منبع اصلی، سبک نوشتارش نیز شباهت فراوانی به آن داشته و به نوعی از آن پیروی می‌کند. نویسنده نکات اصلی و مهم مربوط به مدخلی خاص را به صورت مختصر و چکیده و بدون اطناب و اغراق در آرایه‌های ادبی، از سه منبع پیشین استخراج نموده و به مخاطب عرضه کرده است. بررسی سبک و شیوه نوشتار او مستلزم تسلط نسبی بر ادبیات ترکی عثمانی است، اما با توجه به فاصله زمانی کوتاه — حدود یک سده — بین این رساله و تحفه خطاطین، بدیهی است که شباهت این دو به نسبت دو تذکره دیگر بیشتر باشد.

با اینکه نویسنده در مقدمه منابع اصلی ترکی خود را نام برده، در متن اثر تقریباً از نقل قول مستقیم استفاده نکرده و نقل قول‌ها بیشتر غیرمستقیم و بدون اشاره به منبع اند. گاهی نیز تعبیرات، عبارات و جملات عیناً از روی منبع و بدون اشاره به آن نقل شده‌اند. گرچه نویسنده در مقدمه خود به دو منبع مهم دیگر یعنی مناقب هنروران<sup>۲</sup> و

۱. تحفه خطاطین بزرگ‌ترین و مفصل‌ترین تذکره خوشنویسان است که توسط مستقیم‌زاده سعدالدین سلیمان افندی (وفات: ۱۲۰۲ ق/ ۱۷۸۸ م) — که خود از خطاطان دوره عثمانی است — تألیف شده است. این کتاب منبع اصلی تحقیق در خوشنویسی است و علاوه بر آن، حاوی اطلاعات گسترده‌ای درباره لغت، ادبیات و عرفان است. ساختار این کتاب در دو فصل تنظیم شده و شرح حال بیش از دو هزار تن از خطاطان جهان اسلام به ترتیب حروف الفبا تا سال‌های پایانی سده دوازدهم هجری در این اثر مندرج است (Alparslan, c 14, s 353).  
۲. کتاب مناقب هنروران اثر مصطفی عالی افندی (وفات: ۱۰۰۸ ق/ ۱۶۰۰ م) است. مصطفی عالی — چنان‌که خود بیان داشته — در تألیف کتاب خود، از رساله قطیبه استفاده کرده که حاوی سرگذشت ۵۲ تن از خطاطان نستعلیق نویس بوده و او سرگذشت چند خوشنویس دیگر را بر آن افزوده است. مناقب هنروران در یک مقدمه، پنج فصل و یک خاتمه به نگارش در آمده است (Nuhoglu, c 29, s110).

گلزار صواب<sup>۱</sup> — که هر دوازده تذکره‌های پیشین عثمانی به شمار می‌روند — اشاره کرده، ولی خود اذعان دارد که با وجود اینها، تحفة خطاطین به تنهایی برای استفاده او کفایت کرده است. در اینجا برای نمونه، سه مدخل عبدالله صیرفی (از بخش دوم)، اسدالله کرمانی (از بخش سوم) و عبدالله قریمی (از بخش چهارم) از رساله خط و خطاطان را، با توجه به منابع پیش گفته، بررسی می‌کنیم.

میرزا حبیب در مدخل مربوط به عبدالله صیرفی چنین می‌نویسد:

ولد خواجه محمود صراف تبریزی و شاگرد سیدحیدر جلی نویسنده است. اکثر [کتیبه‌های] عمارات تبریز به خط اوست... انیس و جلیس سیدحیدر گنده نویسنده بوده و به تحصیل حُسن خطِ نفیس مشغول بودند و با یکدیگر، به تلاحق افکار، تصرف و انتقاد داشتند، و منقول است که حُسن خط با تعریب و تعجیم این دوزینت‌یاب نمط گردیده است. وفاتش در هفتصد و چهل و دو است. سی‌وشش قرآن نوشته (حبیب اصفهانی، ص ۵۶).

تحفة خطاطین درباره صیرفی نوشته:

بغدادی است. انیس و جلیس سیدحیدر گنده نویسنده بوده و به تحصیل حُسن خطِ نفیس مشغول بودند و با یکدیگر، به تلاحق افکار، تصرف و انتقاد داشتند و منقول است که حُسن خط با تعریب و تعجیم این دوزینت‌یاب نمط گردیده است. بیت:

آن که ورزد صیرفی عقل هر حرف از خطش

رشته دُزی‌ست کان را جوهر جان قیمت است

مصحف مستطابی به خط ایشان در استانبول موجود است. در [مناقب] هنروران عالی نقل شده که قرآن کریم را به شکلی پیوسته بر طاق مدرسه میرزا، که سلطان حسین باقرا در هرات بنا نمود، نوشته است که می‌بایست در حدود تاریخ نهصد [هجری] باشد. لکن این فقیر از آثار او قطعه‌ای (خط عالی ۷۲۰)<sup>۲</sup> زیارت کردم. معروف است که استاد آگاه، جناب شیخ حمدالله رحمة‌الله، خطوط رعناى اینان را نقل کرده است. اما تاریخ مساعد ملاقات ایشان با هم نبوده مگر آنکه متعدد باشد (مستقیم‌زاده، ص ۲۸۸).

در این مدخل، حبیب افندی، به جز نام پدر خطاط که در ابتدای مطلب آورده، باقی اطلاعاتش را از تحفة خطاطین اخذ کرده است. وی به سایر اطلاعات راجع به صیرفی که در تذکره‌های دیگر مندرج است، و حتی طول و تفصیل بیشتری هم دارد، اشاره‌ای نکرده و چه بسا آنها را ندیده باشد؛ زیرا فقط به تحفة

۱. کتاب گلزار صواب اثر نفس‌زاده ابراهیم افندی (وفات: ۱۰۶۰/ق ۱۶۵۰م) است. این کتاب مشتمل بر یک فصل و دو باب است و نویسنده در آن به شرح حال ۴۷ تن از خطاطان نامدار ایران و عثمانی از گذشته تا معاصر خود می‌پردازد (Nuhoglu, c 14, s 260).

۲. ماده تاریخی است که مستقیم‌زاده برای قطعه مذکور در نظر گرفته است.

خطاطین رجوع کرده، و چنان‌که در متن مشهود است، حتی عین برخی از عبارات آن را درج کرده است. از نظر ساختاری نیز، بر اساس سبک و شیوه نویسنده در تألیف رساله، مدخل کوتاه و مختصر بوده و حاوی چکیده اطلاعات است، و شاید به همین سبب، نویسنده رجوع به سایر منابع را ضروری ندیده است.

میرزا حبیب در مدخل مربوط به اسدالله کرمانی می‌نویسد:

شاگرد شیخ محمد کرمانی و استاد قره‌حصاری است. وفاتش در سال ۸۹۳ ق بوده است. نسخه‌ای وقف شده از مصحف شریف به خط وی در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است؛ در صفحات آغازین آن قطعه‌ای تذهیب شده وجود دارد که تاریخ کتابت آن را نشان می‌دهد؛ قطعه:

از آن روزی که از مصحف نوشتم  
به جزء و حزب و عشر و خمس و آیات  
به فال سعد از روی معانی  
به تاریخش نوشتم «تلك آیات»

(حبیب اصفهانی، ص ۵۹)

در تحفه خطاطین درباره اسدالله کرمانی چنین نوشته است:

کرمانی است. منسوب به کرمانشاه است. هژیر نیستان عرفان بوده و حسن خط ثلث و نسخ را از آثار خامه محمد کرمانی استفاده کرده و از روی تقلید مشق نموده و اجازت گرفته است. شاگردی همچون قره‌حصاری، در دایره تربیت او، مشهور جهان شده است. در کتابخانه ایاصوفیه کبیر مصحف شریفی به خط وی موقوف است که این بیت را به عنوان ماده تاریخ پایان کتابت در ابتدای سرلوحه مذهب آن نوشته است:

از آن روزی که از مصحف نوشتم  
به جزء و حزب و عشر و خمس و آیات  
به فال سعد از روی معانی  
به تاریخش نوشتم «تلك آیات»

آخر الامر، پنجه شیر اجل گریانش را گرفته و پس از سال ۸۹۲ [هجری] در عالم ارواح، همنشین جناب اسدالله - علیه رضوان الاله - گردید (مستقیم‌زاده، ص ۱۱۳).

از مقایسه عباراتی که حبیب افندی درباره این مدخل آورده با عبارات مندرج در منابع دیگر، به نمونه‌ای روشن و واضح از نحوه کار او در رساله خط و خطاطان دست می‌یابیم. وی، در این مدخل، اطلاعات کوتاه و مفید سایر منابع را به مخاطب خود عرضه کرده است؛ ذکر نام استاد اسدالله کرمانی (محمد کرمانی) و شاگردش (احمد قره‌حصاری)، تاریخ وفات او و نیز اشاره به یکی از مهم‌ترین آثارش (مصحفی که به خط او در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است) تمام متن این مدخل را تشکیل می‌دهد. نویسنده حتی قطعه دویتی ماده تاریخ کتابت مصحف مذکور را نیز عیناً از روی تحفه خطاطین، بدون ذکر منبع، نقل کرده است.

میرزا حبیب در مدخل مربوط به عبدالله قریمی چنین نوشته است:

در روزگار سلطان سلیمان‌خان ظهور کرده و از مصطفی دده اجازت یافته بود. پس از بروز واقعه‌ای که دلالت بر مرگش داشت، محلی را در خارج سور استانبول در جوار مسجد امیر بخاری و ابویوب انصاری، علیه رضوان الباری، مکانی را برای مزار خویش برگزیده و ابتدا عبارت «قد طوی طوامیر الاعمال و نسخ اساطیر الآمال بالآجال» و سپس نام نامی خود و دو ۹ را نگاشته و سومین را ترک نموده و فرموده بود: از میان شاگردانم یکی این ۹ سوم را خواهد نوشت. عاقبت آن واحد چون الف، یک سال پیش از آنکه سال هزار هجری فرارسد، به باغ سرای بهشت منتقل گردید (حبیب اصفهانی، ص ۱۱۹).

تحفة خطاطین در باره عبدالله قریمی می‌نویسد:

قریمی است. در روزگار سلطان سلیمان‌خان ظهور کرده و نزد درویش محمد بن مصطفی دده، حفید سعید شیخ حمدالله آگاه، مشق نمود و با اندک تلاشی موفق به اخذ اجازت گردیده بود. پس از بروز واقعه‌ای که دلالت بر مرگش داشت، محلی را در خارج سور استانبول در جوار مسجد امیر بخاری و ابویوب انصاری، علیه رضوان الباری، مکانی را برای مزار خویش برگزیده و ابتدا عبارت «قد طوی طوامیر الاعمال و نسخ اساطیر الآمال بالآجال» و سپس نام نامی خود و دو ۹ را نگاشته و سومین را ترک نموده و فرموده بود از میان شاگردانم یکی این ۹ سوم را خواهد نوشت. عاقبت آن واحد چون الف، یک سال پیش از آنکه سال هزار هجری فرارسد، به باغ سرای بهشت منتقل گردید. احوال امثال او در [مناقب] هنروران عالی و سایر رساله‌های خط مذکور است (مستقیم‌زاده، ص ۲۸۹).

در این مدخل، نویسنده در ابتدا اشاره‌ای مختصر به زمان حیات عبدالله قریمی (دوره سلیمان سلیمان قانونی) و استاد وی (مصطفی دده) نموده و سپس به ماجرای تهیه سنگ‌مزار او و کتیبه آن پرداخته که بخش عمده‌ای از مطلب و حتی برخی از کلمات و عبارات را عیناً از روی تحفة خطاطین نقل کرده است. با توجه به اینکه حبیب افندی به نکات دیگری از حیات قریمی که در مناقب هنروران و گلزار صواب مذکور است اشاره نکرده، می‌توان نتیجه گرفت که وی اصلاً به این دو تذکره مراجعه نداشته و به تحفة خطاطین بسنده کرده است.

با توجه به سه نمونه مذکور، بررسی ساختار مداخل رساله خط و خطاطان نشان می‌دهد که در اکثر آنها، مطالب عیناً از روی کتاب تحفة خطاطین، و در برخی دیگر، نقل به مضمون از این کتاب یا تذکره‌های پیشین است و نویسنده گرچه به استفاده مستقیم از آنها تصریح نکرده، اما بی‌شک به آنها نظر داشته و از شیوه تنظیم ساختار آنها برای اثر خود بهره برده است.

میرزا حبیب در جای‌جای رساله‌اش از اشعار فارسی، ترکی و عربی بنا به فراخور حال بهره برده و بسیاری از آنها را از تحفه خطاطین نقل کرده است. شمار زیادی از این اشعار دربرگیرنده ماده تاریخ ولادت یا مرگ خوشنویسان، تاریخ اتمام آثار و یا نعت و مدح خط ایشان و یا اشعاری است که خطاطان شاعر سروده‌اند؛ مثلاً درباره ابن مقله، دو بیت از قصیده سعدی شیرازی را آورده است:

گر ابن مقله دگر باره در جهان آید      چنان که دعوی معجز کند به سحر مبین  
به آب زر تواند کشید چون تو الف      به سیم حل نگارد بسان نغز تو سیر

(حبیب اصفهانی، ص ۴۱)

و برای ماده تاریخ مرگ یاقوت المستعصمی این رباعی را درج کرده:

یاقوت جمال دین شه اهل هنر      در صبح خمیس سادس شهر صفر  
در سبوعه و ستین بؤد و ست مئه      کز دار فنا به آخرت کرد سفر

(همان، ص ۵۳)

او این بیت را نیز منسوب به بایسنغر میرزا دانسته است:

گدای کوی او شد بایسنغر      گدای کوی خوبان پادشاه است

(همان، ص ۶۰)

حبیب افندی دو مورد اخیر را عیناً از تحفه خطاطین (صفحات ۵۷۶ و ۱۴۲) و مناقب هنروران (صفحه ۳۸) و گلزار صواب (صفحه ۴۲) و بدون اشاره به آنها نقل کرده است. علت درج اشعار در این رساله می‌تواند علاقه نویسنده به شعر و ادبیات بوده باشد؛ چنان‌که وی خود ادیب و شاعر نیز بوده و تلاش کرده تا متن منشور رساله‌اش را با زیور اشعار، زینت بخشد. برخی از اشعار مندرج در رساله او در تحفه خطاطین و دیگر منابع موجود نیست و این به سبب تسلط نویسنده به شعر و ادبیات فارسی است.

درباره ارزش این اثر، خان‌ملک آورده است:

که وی یکصد سال تاریخ و سیره خوشنویسان را برتالیفات سابقین اضافه کرده، نواقص آنها را تکمیل نموده و نظریات جدیدی ضمیمه آنها کرده است و به همین دلخوش بوده که هنرمندان و خوشنویسان ایران را بدین وسیله از زوایای خاموشی و فراموش‌شدگی بیرون بکشد. این کتاب از منابع مهم کلمان هوار در تدوین کتاب خوشنویسان و مینیاتوریست‌های شرق مسلمان بود (میرانصاری، ص ۹۵-۹۶).



## ۵ جمع‌بندی

رساله خط و خطاطان یکی از مهم‌ترین آثار متأخر در حوزه تذکره‌نویسی خوشنویسی است که، به لحاظ ساختار و محتوا، به بعضی از تذکره‌های پیشین شباهت بسیار داشته و روابط و پیوندهای بینامتنی میان آنها بسیار محکم و گسترده است. نویسنده رساله به‌کرات از تذکره‌های گوناگون در تألیف و تدوین اثر خود بهره برده و به‌ویژه به کتاب تحفه خطاطین توجه خاص داشته است. نوع فهرست‌بندی رساله که مبتنی بر ملیت هنرمندان و جغرافیاست، و نیز اختصار مطالب در تدوین مدخل‌ها، از نوآوری‌ها و شیوه‌های خاصی است که نویسنده، در تدوین اثر خود، آنها را به کار گرفته است.

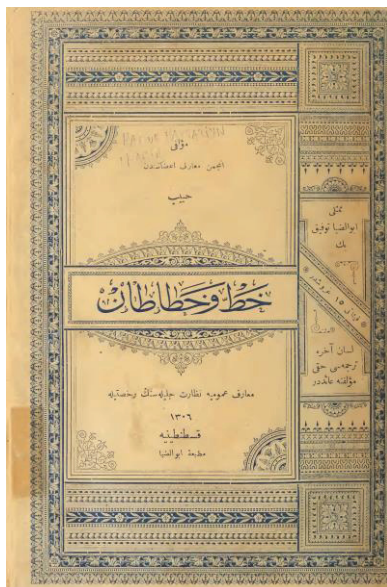
مهم‌ترین ویژگی‌های کار حبیب افندی در رساله خط و خطاطان عبارت‌اند از: تلخیص و فشرده‌سازی اطلاعات منابع معتبر پیشین، افزودن شرح حال خطاطانی که در فاصله زمانی میان منابع قبلی و کتاب حبیب افندی (حدود یک سده) می‌زیسته‌اند و نامی از آنها در تذکره‌های گذشته نبوده، و معرفی خطاطان و خوشنویسان معاصر وی. ویژگی اخیر، به‌خصوص درباره هنرمندان ایرانی اهمیت بیشتری دارد؛ مثلاً نام خوشنویسان بزرگ و مشهور دوره قاجار که با نویسنده هم‌عصر بوده‌اند، نخستین بار، در کتاب حبیب افندی در خارج از مرزهای ایران مطرح و معرفی شده است. وی نام استادانی همچون میرزا فتحعلی حجاب و وصال شیرازی و فرزندانش در شیراز، میرحسین ترک و میرزا غلامرضا اصفهانی در تهران، میرزا رضا و میرزا رضی در تبریز، میرزا محمدعلی سنگلاخ در خراسان و میرزا آقا افشار ارومیه‌ای را ذکر می‌کند، اما برخلاف همگنان معاصر عثمانی‌شان که حتی در حدّ یک سطر کوتاه معرفی شده‌اند، این معرفی در حدّ ذکر نام — آن هم فقط از همین چند نفر — است و نه بیشتر. به نظر می‌رسد علت اصلی این مسئله را باید در علاقه‌های فرهنگی و مراودات حبیب افندی جستجو کرد؛ او صاحب کتابخانه‌ای با نسخه‌های خطی فوق‌العاده ارزشمند بود<sup>۱</sup> و از مشتریان دائمی بازار صحافان (صاحف‌لار چارشیسی) استانبول، که محل عرضه کتاب‌های خطی و چاپی و آثار هنری بود، به‌شمار می‌رفت او به دیدن این نسخ نیز علاقه نشان می‌داد؛ به‌طور مثال، در مدخل علاءالدین

۱. میرزا حبیب، در زمان اقامت در استانبول، در خانه‌ای به شماره ۲۹ در محله دفتردار ابوالفضل در ناحیه توپخانه استانبول سکونت داشت؛ این خانه زیبا، با معماری قرن نوزدهمی و آراسته به اثاثیه ایرانی، میزبان مؤیدالملک قاجار، در بازگشت از دومین سیاحت اروپا، و همراهانش حاج محمدعلی پیرزاده و حاج میرزا حسن خان، بوده و یکی از مراکز تجمع روشنفکرانی به‌شمار می‌رفته که از ایران و اروپا به استانبول می‌آمدند و حبیب افندی در این خانه پذیرای آنان بوده است؛ پیرزاده از غنای کتابخانه حبیب افندی و آثار موجود در آن در سفرنامه‌اش اظهار شگفتی کرده است. این کتابخانه کم‌نظیر، پس از مرگ حبیب افندی، همچون سایر اموالش فروخته و وجه نقدی آن — که مبلغ قابل ملاحظه‌ای بوده — به وراثت پرداخت شد. (برای اطلاعات بیشتر ← Digiroğlu 2017)

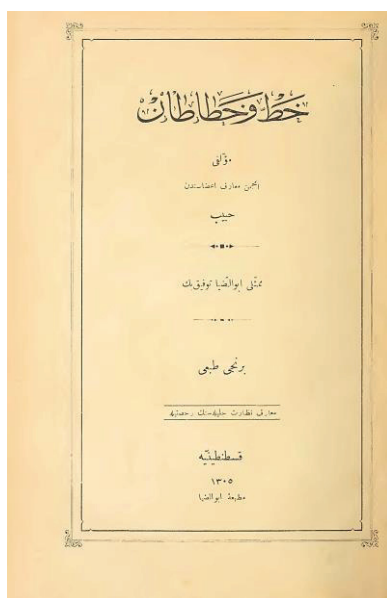
تبریزی، میرزا حبیب به نسخه‌ای از مصحف شریف به خط او اشاره می‌کند که «در کتابخانه میرزا محسن‌خان موجود و شایسته زیارت است». از سوی دیگر، وی به عنوان یک چهره برجسته فرهنگی و ادبی در استانبول آن زمان و به واسطه کار در دربار و مدارس مختلف، با اهالی فرهنگ و هنر در ایران و عثمانی روابط گسترده‌ای داشته، و از رهگذر همین روابط، ارباب فضل و هنر برای او شناخته شده بوده‌اند؛ بنابراین، بدیهی است که خطاطان ایرانی معاصر خود را فقط در حد نام می‌شناخته و خطاطان عثمانی معاصرش را اندکی بیش از آن.

### منابع

- برک، سلیمان، خوشنویسان استانبول، ترجمه ثریا منیری و مهدی قربانی، پیکره، تهران، ۱۳۹۶.
- چاوش‌اکبری، رحیم، تذکره خط و خطاطان: شامل خطاطان، نقاشان، مذهب‌ان و قاطعان و جلدسازان ایرانی و عثمانی به انضمام کلام الملوک، کتابخانه مستوفی، تهران، ۱۳۶۹.
- حبیب اصفهانی، خط و خطاطان، مطبعة ابوالضیاء، استانبول، ۱۳۰۵.
- حبیب آفندی، الخط و الخطاطون، ترجمه سامیه محمد جمال، المركز القومي للترجمة، قاهره، ۲۰۱۰.
- ذنون، یوسف، شرح قصیده ابن البواب فی علم صناعة الکتاب، دارالنوادر، دمشق، ۲۰۱۲ م.
- السنجاری، محمد بن الحسن، بضاعة الموجود فی الخط و أصوله، تحقیق: هلال ناجی، الدار الدولية للإستثمارات الثقافية، قاهره، ۲۰۰۲ م.
- فضانلی، حبیب، اطلس خط: تحقیق در خطوط اسلامی، سروش، تهران، ۱۳۹۲.
- مستقیم‌زاده، سعدالدین سلیمان، تحفة خطاطین، دولت مطبعه‌سی، استانبول، ۱۹۲۸ م.
- میرانصاری، علی، «حبیب اصفهانی»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۰، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۹۲.
- Alparslan, Ali (1996), "Habib Efendi", *TDV İslâm Ansiklopedisi*, XIV, İstanbul: TDV.
- Diğiroğlu, Filiz (2017), "XIX. Yüzyıl Osmanlı Başkentinde Entelektüel Bir Acem: Mirza Habib İsfahanî ve Terekesi", *Osmanlı Araştırmaları*, İstanbul: Millî Saraylar Adına Yayınlayan.
- Kınlı, Süleyman (2017), *Hat ve Hattâtân'da Osmanlı Hattatları*, Yüksek Lisans Tezi, Marmara Üniversitesi, Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü.
- Nuhoğlu, Hidayet Yavuz (2004), "Menâkıb-ı Hünerverân", *TDV İslâm Ansiklopedisi*, XXIX, İstanbul: TDV.
- \_\_\_\_\_ (1996), "Gülzâr-ı Savâb", *TDV İslâm Ansiklopedisi*, XIV, İstanbul: TDV.



جلد کتاب خط و خطاطان چاپ ۱۳۰۵- استانبول



صفحه شناسنامه کتاب با تاریخ چاپ ۱۳۰۵- استانبول